

تعاون، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

سنجش سازه‌های مؤثر بر گرایش دانش‌آموختگان و دانشجویان سال آخر رشته‌های کشاورزی به اشتغال در بخش تعاون استان خراسان جنوبی

مینا اورنگی^۱، دکتر غلامحسین حسینی نیا^۲، دکتر علیقلی حیدری^۳

چکیده

اشتغال و بیکاری از جمله مقولات اساسی اقتصاد در عرصه جهانی است به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، به عنوان یکی از شاخصهای توسعه‌یافتگی جوامع تلقی می‌شود. در این میان، مسئله اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. تعاونیهای تخصصی کشاورزی به عنوان سازمانهای مشارکتی، علاوه بر تواناییهای قابل توجه در افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی، نقشی مهم در اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف کشاورزی دارند و لذا گسترش این تعاونیها از اهمیت بالایی برخوردار است. تحقیق حاضر نیز بر آن است تا ضمن مشخص نمودن میزان گرایش دانشجویان و

e-mail:pakroo.sk.fire@gmail.com

۱. کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

۲. دکترای ترویج و آموزش کشاورزی و معاون پژوهش، آموزش و کارآفرینی تعاونیها، وزارت تعاون

۳. مدرس دانشگاه و مدیر کل دفتر تحقیقات و ارتقای بهره‌وری بخش تعاون، وزارت تعاون

دانش‌آموختگان به اشتغال در بخش تعاون، به بررسی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر گرایش آنها به اشتغال در این بخش پردازد.

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که از روش‌های همبستگی و علی مقایسه‌ای در آن استفاده شده است. جامعه آماری آن را دانش‌آموختگان و دانشجویان ترم آخر سال تحصیلی ۸۷-۸۸ تشکیل می‌دهند. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی، حجم نمونه مورد نیاز ۲۰۰ نفر تعیین شد. یافته‌های تحقیق نشان داد نگرش حدود نیمی از پاسخگویان در حد نسبتاً متوسط است. نتایج تحلیل همبستگی نیز نشان داد که بین نگرش دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش تعاون با متغیرهای دانش و آگاهی آنها، ارائه مشوقها به بخش تعاون، نیازهای آموزشی، موانع موجود در تشکیل تعاونیها و سن پاسخگویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. این رابطه در مورد دانش و مشوقها مثبت و در مورد نیازهای آموزشی، موانع و سن پاسخگویان منفی است. همچنین میان نگرش دانش‌آموختگان از نظر نوع دانشگاه، مرد یا زن بودن، دانشجو یا فارغ‌التحصیل بودن و مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها:

دانش‌آموخته، کشاورزی، اشتغال، بخش تعاون، خراسان جنوبی

مقدمه

مسئله اشتغال در کلیه ممالک جهان به ویژه کشورهای جهان سوم، از جمله مسائلی است که بی توجهی به آن تأثیرات نامطلوب در بافت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خواهد گذاشت. به عبارتی، بیکاری پدیده‌ای است که به دنبال خویش پیامدهای منفی فراوانی را به دنبال دارد و سرمنشأ بسیاری از معضلات اجتماعی می‌باشد. این امر سیاستگذاران را ناگزیر به ارائه برنامه‌های منطقی و عقلانی کرده است تا ضمن ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمد

اقتصادی برای افراد، از بروز بسیاری از معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی جلوگیری نمایند.

در ایران نیز یکی از دغدغه‌های اساسی برنامه‌های توسعه، تلاش برای کاهش معضل بیکاری است که همواره به عنوان یکی از اهداف مهم این برنامه‌ها نیز مد نظر بوده است. براساس برآوردهای وزارت کار و امور اجتماعی، نرخ بیکاری در کشور ۱۲/۳ درصد می‌باشد. این نرخ در مورد دانش‌آموختگان دانشگاهی فراتر از ۱۵/۶ درصد اعلام شده است (وزارت تعاون، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، نرخ بیکاری در میان دانش‌آموختگان دانشگاهی بالاتر از میانگین نرخ بیکاری در جامعه است که این امر نشان‌دهنده فراهم نمودن بستر اشتغال متخصصان در کشور می‌باشد (همان منبع).

بررسی اجزای نظام اقتصادی کشور در سطح کلان نشان می‌دهد بخش تعاون به عنوان یکی از بخشهای سه‌گانه اقتصاد کشور، زمینه‌ساز مشارکت مؤثر مردم در فعالیتهای اقتصادی اجتماعی بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه فرصتهای شغلی در جامعه داشته است. به علاوه با توجه به سیاستهای اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر کاهش نقش دولت در فعالیتهای اقتصادی و افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی، زمینه‌ها و ظرفیتهای مناسبی برای فعالیتهای اشتغال‌زا در بستر تعاونی فراهم آمده است به گونه‌ای که امروزه شاهد کوچک شدن نسبی ساختار شغلی بخش دولتی و برعکس، بزرگتر شدن فعالیتهای بخش خصوصی و افزایش توانایی اشتغال‌زایی این بخش هستیم که همگی این مسائل بررسی جایگاه بخش تعاون در عرصه اشتغال‌زایی را از اهمیت فراوانی برخوردار کرده است (لهسایی زاده، ۱۳۸۴).

از آنجا که منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملتها می‌باشد و نقش اساسی در توسعه پایدار دارد، جایگاه و نقش دانشگاهها در فرایند تبدیل نیروی انسانی به منابع انسانی و جایگاه و نقش تعاونیها در جذب و به کارگیری این منابع انسانی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ به عبارت دیگر، نزدیک نمودن حوزه فعالیت تعاونیها و مؤسسات آموزشی، از راهبردهای کاهش بیکاری دانشجویان و دانش‌آموختگان است که باید مورد توجه قرار گیرد. از این رو در مطالعه

حاضر تلاش شده است تا ضمن بررسی نوع و میزان گرایش دانش‌آموختگان کشاورزی به اشتغال در بخش تعاون، زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر این گرایش ارزیابی شود. انجام این امر زمینه لازم برای شناخت نیازهای آموزشی درباره تعاونیها و رفع موانع موجود بر سر راه گرایش دانشجویان به تشکیل تعاونیها راه فراهم خواهد کرد.

روش تحقیق

مطالعه حاضر تحقیقی توصیفی تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان سال آخر و دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف کشاورزی استان خراسان جنوبی (۹۳۳ نفر) است که در سال ۱۳۸۷ دانشجو و یا فارغ‌التحصیل شده‌اند. دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند، دانشگاه آزاد بیرجند، دانشگاه علمی-کاربردی بیرجند، دانشگاه پیام نور بیرجند و دانشگاه آزاد اسلامی فردوس نیز پنج دانشگاه یا گروه‌های مورد مطالعه در جامعه آماری می‌باشند.

برای محاسبه حجم نمونه، تعداد ۳۰ پرسشنامه به طور تصادفی در جامعه آماری مورد تحقیق تکمیل و با محاسبه انحراف معیار در ۳۰ نمونه ($S=1/21$)، دقت احتمالی مطلوب با استفاده از رابطه زیر برابر $0/4$ تعیین شد:

$$d = \frac{ts}{\sqrt{n}} \quad (1)$$

$$d = \frac{(1.96)(1.21)}{\sqrt{30}} \Rightarrow d = \frac{2.37}{5.47} \Rightarrow d = 0.4$$

که در آن $n \cdot s \cdot t$ و d به ترتیب مقدار t استیودنت با ۹۵٪ اطمینان و ۵٪ خطا به میزان ۱/۹۶، انحراف معیار، حجم نمونه در انجام پیش‌آزمون و دقت احتمالی مطلوب می‌باشد.

جهت افزایش حجم نمونه و دقت حاصل، مقدار فوق به ۰/۱۶ تغییر داده شد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران برابر ۱۷۷ نفر محاسبه شد که به منظور افزایش دقت، حجم نمونه به مقدار ۲۰۰ نفر ($n=200$) افزایش یافت:

$$n = \frac{N(t.s)^2}{N(d)^2 + (t.s)^2}$$

که در آن N و n به ترتیب حجم جامعه آماری و تعداد نمونه تعیین شده است:

$$n = \frac{(933)(1.96 \times 1.21)^2}{933(0.16)^2 + (1.96 \times 1.21)^2} \Rightarrow n = \frac{5247.5652}{29.5092} \Rightarrow n = 177.82 \quad (2)$$

با توجه به تفاوت اندک واریانس در درون گروه‌های جامعه و تفاوت بیشتر واریانس در میان گروه‌ها، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی استفاده شده است. در این روش، برای تعیین سهم هر گروه از نمونه از رابطه زیر استفاده شد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۳):

$$n_h = n \frac{N_h}{N} \quad (3)$$

که در آن n ، N_h ، N و n_h به ترتیب تعداد نمونه انتخاب شده از جامعه آماری، تعداد افراد جامعه در طبقه h ام، تعداد کل افراد جامعه و تعداد نمونه از طبقه یا گروه h ام می‌باشد. بدین ترتیب از ۲۰۰ نفر پاسخگو، ۶۸، ۷۵، ۱۱، ۱۰، ۳۶ نفر به ترتیب از دانشکده کشاورزی بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند، دانشگاه پیام نور بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی فردوس و دانشگاه علمی-کاربردی بیرجند تعیین شدند.

برای جمع‌آوری نظر پاسخگویان این تحقیق از پرسشنامه‌ای مشکل از ۷ بخش به شرح زیر استفاده شد: بخش اول ویژگی‌های فردی پاسخگویان، بخش دوم میزان نیاز آموزشی پاسخگویان به ده مورد از مهمترین قوانین بخش تعاون، بخش سوم میزان اهمیت ۱۶ راهکار مختلف برای گرایش افراد به اشتغال در بخش تعاون از دیدگاه پاسخگویان، بخش چهارم میزان دانش و آگاهی پاسخگویان در زمینه تعاونیها و تعاونیهای تخصصی، بخش پنجم نگرش (میزان موافقت یا مخالفت) پاسخگویان نسبت به تعاونیها، بخش ششم میزان اهمیت پانزده مانع مهم در تشکیل تعاونیهای تخصصی از دیدگاه دانش‌آموختگان و بخش هفتم میزان اهمیت ده مشوق ضروری برای تشکیل تعاونیهای تخصصی از دیدگاه دانش‌آموختگان بخش کشاورزی. در هر بخش، سؤالات در مقیاس ترتیبی و به روش طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای مطرح شده است.

متغیرهای مستقل این تحقیق شامل ویژگیهای فردی پاسخگویان (سن و تحصیلات)، میزان موانع موجود در بخش تعاون، نیازهای آموزشی، اعطای مشوقها به بخش تعاون، میزان دانش و آگاهی اشتغال در بخش تعاون می باشد. متغیر وابسته نیز میزان نگرش پاسخگویان به اشتغال در بخش تعاون است. برای بررسی معنی دار بودن ارتباط میان هر یک از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از فرض صفر و فرض مخالف استفاده شده است. فرض صفر مبین این می باشد که بین دو یا چند متغیر تفاوت معنی داری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر فرض صفر همسانی متغیرها و یا نبود رابطه معنی دار میان آنها را تبیین می کند، اما فرض مخالف، وجود تفاوت و همبستگی معنی دار بین متغیرهای مورد آزمون را بیان می کند (کرلینجر، ۱۳۸۲).

$$H_0 : r = 0$$

$$H_1 : r \neq 0 \quad -1 \leq r \leq 1$$

که در آن H_0 ، H_1 و r_0 به ترتیب فرض صفر، فرض مخالف و مقدار ضریب همبستگی محاسبه شده میان متغیر وابسته و هر یک از متغیرهای مستقل در نرم افزار spss می باشد.

همچنین با استفاده از فروض دوگانه فوق، وجود رابطه معنی دار میان نگرش به اشتغال در چهار گروه متفاوت پاسخگویان بررسی شد. این گروه ها شامل پاسخگویان مرد و زن، پاسخگویان فارغ التحصیل و سال آخر، پاسخگویان دانشگاه های مختلف و پاسخگویان مقاطع مختلف تحصیلی است.

در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ جهت سنجش پایایی ابزار اندازه گیری استفاده شده است تا مشخص شود ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد. مقدار ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) بین صفر و یک تغییر می کند (سرمد و دیگران، ۱۳۸۳). از این رو از ۳۰ پرسشنامه تکمیل شده در ابتدای کار به منظور پیش آزمون، مقدار آلفای کرونباخ به شرح جدول ۱ برای قسمتهای مختلف ابزار اندازه گیری به دست آمده است. با توجه به ضرایب محاسبه شده، پایایی یا اعتبار ابزار اندازه گیری (پرسشنامه) تأیید شد.

جدول ۱. مقادیر آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی بخشهای مختلف پرسشنامه

ضریب آلفای کرونباخ	بخشهای مختلف پرسشنامه
۰/۷۴	نیازهای آموزشی پاسخگویان در زمینه تعاونیها
۰/۸۶	راهکارهای مؤثر بر گرایش پاسخگویان به اشتغال در بخش تعاون
۰/۷۶	دانش و آگاهی پاسخگویان در زمینه تعاونیها
۰/۸۹	نگرش پاسخگویان نسبت به تعاونیها
۰/۸۳	موانع موجود در راه اندازی تعاونیها
۰/۷۸	مشوقهای مؤثر در راه اندازی تعاونیها

مأخذ: یافته های تحقیق

نتایج و بحث

بررسی توصیفی یافته‌ها نشان داد که میانگین سنی پاسخگویان ۲۵/۵ سال است که دلالت بر جوان بودن افراد دارد. حدود نیمی (۴۳/۵ درصد) از پاسخگویان مورد مطالعه زن و ۵۶/۵ درصد باقیمانده مرد می‌باشند. همچنین ۵۸ درصد (۱۱۶ نفر) از پاسخگویان مورد مطالعه دانشجو و ۴۲ درصد دیگر فارغ‌التحصیل بودند. اکثریت پاسخگویان تحقیق (۷۹/۵ درصد) مجرد هستند. از نظر مقطع تحصیلی بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان مربوط به مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی هستند. رشته امور زراعی، زراعت و اصلاح نباتات بیشترین درصد افراد (۲۱ درصد) را به خود اختصاص می‌دهد. از نظر اشتغال پاسخگویان، اکثر افراد (۷۷/۵ درصد) جویای کارند و از ۲۲/۵ درصد شاغل باقیمانده، ۷۳/۳ درصد در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال دارند و تنها ۲/۵ درصد در بخش تعاون مشغول به کارند. میانگین سابقه کار پاسخگویان شاغل نیز ۱۵/۷ سال می‌باشد.

در زمینه مراجعه یا عدم مراجعه به اداره تعاون، اکثر پاسخگویان (۶۳/۵ درصد) تاکنون به اداره تعاون مراجعه نکرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتگوهای دوستانه و مطبوعات با میانگین رتبه‌ای ۳/۰۳، بیشترین تأثیر را در افزایش آگاهی افراد مورد مطالعه نسبت به تعاونیها

داشته است. شرکت در سمینارها با میانگین رتبه‌ای ۲/۶۶ و دروس دانشگاهی با میانگین رتبه‌ای ۲/۶۸ کم‌اثرترین عوامل در جهت افزایش آگاهی پاسخگویان نسبت به بخش تعاون بوده است. در زمینه نیازهای آموزشی پاسخگویان، آموزش در زمینه تعاونیهای تخصصی و آشنایی با سیاستهای آتی بخش تعاون مهمترین نیازهای آموزشی ذکر شده از دیدگاه پاسخگویان هستند. در زمینه راهکارهای مؤثر بر گرایش دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی به اشتغال در بخش تعاون، «افزایش بودجه و ارائه تسهیلات بلندمدت و یا بلاعوض به تعاونیهای تخصصی» و «تشویق و حمایت از تعاونیهای فعال دانش‌آموختگان در جامعه» به ترتیب مهمترین راهکارها می‌باشند. در زمینه سنجش گرایش و نگرش دانش‌آموختگان نسبت به اشتغال در بخش تعاون که متغیر وابسته تحقیق نیز می‌باشد، در حدود نیمی از پاسخگویان نگرش نسبتاً مثبتی در مورد بخش تعاون داشته‌اند. در بخش بررسی و اولویت بندی موانع موجود بر سر راه توسعه تعاونیهای دانش‌آموختگان، «نداشتن سرمایه اولیه جهت شروع یک کار درآمدزا از سوی اعضای تعاونیها و عدم حمایت مالی دولت از آنها» و «وجود مقررات دست و پاگیر جهت گرفتن تسهیلات بانکی در قالب تعاونیها» مهمترین موانع برای تشکیل تعاونیها ذکر شده‌اند. در بخش بررسی مشوقهای مؤثر در راه اندازی تعاونیهای تخصصی توسط دانشجویان و دانش‌آموختگان، تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون به منظور حل مشکل وثیقه دانش‌آموختگان و کمک بلاعوض و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه برای تأمین تمام یا بخشی از آورده شرکتهای تعاونی (که اعضای آن در زمان دریافت این حمایت جزو سه دهک اول درآمدی جامعه باشند) به ترتیب مهمترین مشوقها در راه اندازی تعاونیهای تخصصی بیان شده‌اند.

یافته‌های حاصل از آزمون آماری فرضیه صفر و فرض مخالف میان متغیر وابسته و

هریک از متغیرهای مستقل نیز نشان داد:

رابطه مثبت و معنی داری بین نگرش و دانش پاسخگویان نسبت به اشتغال در بخش تعاون وجود دارد. به عبارت دیگر افرادی که آگاهی و دانش بیشتری به تعاونیها دارند، دارای تمایل بیشتری نیز به اشتغال در بخش تعاون هستند.

رابطه منفی و معنی داری بین نگرش و نیازهای آموزشی افراد مورد مطالعه نسبت به اشتغال در بخش تعاون وجود دارد. به عبارتی افراد دارای نگرش مثبت تر به تعاونیها نیاز آموزشی کمتری نسبت به دیگران دارند.

بین نگرش افراد مورد مطالعه نسبت به اشتغال در بخش تعاون و موانع موجود در تشکیل تعاونیها رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. از این رو می توان چنین استنباط کرد که موانع موجود در تشکیل تعاونیها، نگرش افراد را نسبت به اشتغال در بخش تعاون تحت تأثیر خود قرار داده و این تأثیر در جهت منفی می باشد.

همبستگی منفی و معنی داری بین نگرش و سن افراد مورد مطالعه نسبت به اشتغال در بخش تعاون وجود دارد. به عبارت دیگر افراد دارای سنین بالاتر نگرش منفی تری نسبت به اشتغال در بخش تعاون دارند.

بین نگرش افراد مورد مطالعه نسبت به اشتغال در بخش تعاون و سطح تحصیلات آنها رابطه معنی داری وجود دارد به گونه‌ای که افزایش سطح تحصیلات سبب گرایش بیشتر دانش آموختگان به ایجاد و تشکیل تعاونیهای تخصصی می شود.

همبستگی مثبت و معنی داری بین نگرش پاسخگویان و اعطای مشوقها به آنها نسبت به اشتغال در بخش تعاون وجود دارد. از این رو اعطای مشوقها به دانش آموختگان بخش کشاورزی جهت تشکیل تعاونیهای تخصصی، نگرش آنها را نسبت به اشتغال در بخش تعاون و در نتیجه راه اندازی تعاونیهای دانش آموختگان تحت تأثیر خود قرار داده و این تأثیر در جهت مثبت می باشد.

یافته‌های حاصل از آزمون آماری فرضیه صفر و فرض مخالف میان چهار گروه متفاوت

پاسخگویان نشان داد:

بین نگرش پاسخگویان فارغ التحصیل و دانشجو نسبت به اشتغال در بخش تعاون تفاوت معنی داری وجود دارد؛ یعنی احتمال مشارکت دانش آموختگان در تشکیل تعاونیها به طور معنی داری بیشتر از دانشجویان سال آخر می باشد.

میان میانگین نگرش پاسخگویان دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند (میانگین رتبه‌ای = $47/3$)، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند (میانگین رتبه‌ای = $54/09$)، دانشگاه پیام نور بیرجند (میانگین رتبه‌ای = $49/4$)، دانشگاه آزاد اسلامی فردوس (میانگین رتبه‌ای = $51/6$) و دانشگاه علمی کاربردی بیرجند (میانگین رتبه‌ای = $59/13$) نسبت به اشتغال در بخش تعاون اختلاف معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر با تنزل رتبه علمی دانشگاه، گرایش پاسخگویان نسبت به تشکیل تعاونیهای تخصصی کمتر خواهد شد. از دلایل این امر آن است که فراگیری کمتر مباحث علمی و تجربی در دانشگاههایی با توان علمی کمتر، سبب کاهش قدرت کارآفرینی و تمایل کمتر آنان به فعالیت در بخشهای تعاونی و خصوصی می شود.

میان میانگین نگرش پاسخگویان مقاطع کاردانی (میانگین رتبه‌ای = $58/7$)، کارشناسی (میانگین رتبه‌ای = $52/2$) و کارشناسی ارشد (میانگین رتبه‌ای = $45/8$) نسبت به اشتغال در بخش تعاون اختلاف معنی داری وجود دارد.

بین میانگین نگرش پاسخگویان مرد (میانگین رتبه‌ای = $48/4$) و زن (میانگین رتبه‌ای = $56/6$) نسبت به اشتغال در بخش تعاون اختلاف معنی داری وجود دارد. در واقع پاسخگویان مرد تمایل بیشتری به تشکیل تعاونیهای تخصصی و اشتغال در این بخش داشته‌اند.

نتیجه گیری و پیشنهاد

۱. با توجه به وجود رابطه مثبت و معنی دار بین نگرش پاسخگویان با دانش آنها نسبت به تعاونیها، هرچه بتوان شرایطی فراهم آورد که دانش آموختگان کشاورزی بتوانند آگاهیهای خود را از مؤلفه‌های اصلی تعاونیها و تعاونیهای تخصصی کشاورزی افزایش دهند، می توان نگرش آنها را نیز در این باره ارتقا بخشید.

۲. با توجه به وجود رابطه منفی و معنی دار بین نگرش دانش آموختگان کشاورزی و نیازهای آموزشی آنها نسبت به تعاونیها، باید با برگزاری کلاسهای آموزشی، کارگاههای آموزشی، سمینارها و سایر روشهای آموزشی مناسب، نیازهای آموزشی دانش آموختگان کشاورزی را برطرف کرد تا گرایش آنها نسبت به اشتغال در بخش تعاون افزایش یابد.
۳. نظر به وجود رابطه مثبت و معنی دار بین نگرش دانش آموختگان کشاورزی و ارائه مشوقها به آنها جهت اشتغال در بخش تعاون، پیشنهاد می شود که دولت با ارائه مشوقهای لازم به بخش تعاون و به ویژه به تعاونیهای تخصصی دانش آموختگان، گرایش آنها را به اشتغال در بخش تعاون افزایش دهد.
۴. با توجه به وجود رابطه منفی و معنی دار بین نگرش دانش آموختگان کشاورزی و موانع موجود در تشکیل تعاونیها، باید این موانع را کاهش داد تا نگرش و گرایش دانش آموختگان کشاورزی به اشتغال در بخش تعاون افزایش پیدا کند.
۵. نتایج نشان داد که گرایش دانش آموختگان مقطع کاردانی به طور معنی دار از دانش آموختگان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشتر است. شاید این عدم تمایل به اشتغال از سوی دانش آموختگان مقاطع بالاتر به این دلیل باشد که برای آنها مشاغل بهتری با سطح دستمزدهای بالاتر در ادارات دیگر وجود دارد؛ ولی به هر حال باید دقیقاً بررسی کرد که این عدم گرایش معلول چه عواملی است تا بتوان در جهت رفع کامل آنها تلاش نمود.
۶. سطح گرایش پاسخگویان فارغ التحصیل نسبت به پاسخگویان دانشجویان بیشتر بوده است. شاید این امر به این دلیل باشد که در دانشگاه آموزش و تبلیغات لازم جهت آشنایی افراد با بخش تعاون وجود ندارد و باید در این امر همکاری لازم بین دانشگاهها و بخش تعاون به وجود آید.
۷. با توجه به اینکه دروس دانشگاهی و برگزاری سمینارها کمترین تأثیر را در آگاه ساختن پاسخگویان از بخش تعاون داشته است، لذا پیشنهاد می گردد سمینارهای مربوط به بخش تعاون از نظر کمی و کیفی بهبود یابد. همچنین همکاری بیشتری بین بخش تعاون و

دانشگاه در زمینه معرفی قابلیت‌ها و توانایی‌های بخش تعاون برقرار گردد. به طور کلی می‌توان گفت که آموزش و آگاه‌سازی و ارائه مشوق‌ها به بخش تعاون می‌تواند نقش مهمی در ایجاد گرایش در افراد به اشتغال در این بخش داشته باشد. از آنجا که در زمینه اطلاع‌رسانی «گفتگوهای دوستانه» و «مطبوعات» به ترتیب مهمترین راهکارهای اطلاع‌رسانی به افراد می‌باشند و در زمینه ارائه مشوق‌های مادی نیز تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون به منظور حل مشکل وثیقه‌دانش‌آموختگان و کمک بلاعوض و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه برای تأمین تمام یا بخشی از آورده شرکتهای تعاونی مهمترین تقویت‌کننده‌ها در افزایش گرایش افراد به بخش تعاون و اشتغال در این بخش به حساب می‌آیند باید به این مقولات توجه ویژه‌ای شود. در پایان امید است با ورود افراد تحصیل‌کرده به بخش تعاون و تأسیس تعاونیهای تخصصی در این بخش شاهد موفقیت این تعاونیها و متعاقباً تأثیر بخش تعاون در سطح اقتصاد کشور و ایجاد اشتغال باشیم.

منابع

۱. سرمد، ز.، ع. بازرگان، الف. حجازی (۱۳۸۳)، روش تحقیق در علوم رفتاری، چاپ هشتم، انتشارات آگاه، تهران.
۲. کرلینجر، ف. (۱۳۷۴)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه یاشا شیرین و نجفی زند، جلد اول، انتشارات آگاه، تهران.
۳. لهسایی زاده، ع. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی کشاورزی، چاپ اول، انتشارات اطلاعات، تهران.
۴. وزارت تعاون (۱۳۸۶)، دفتر آمار و اطلاعات، آمار مربوط به نرخ بیکاری.